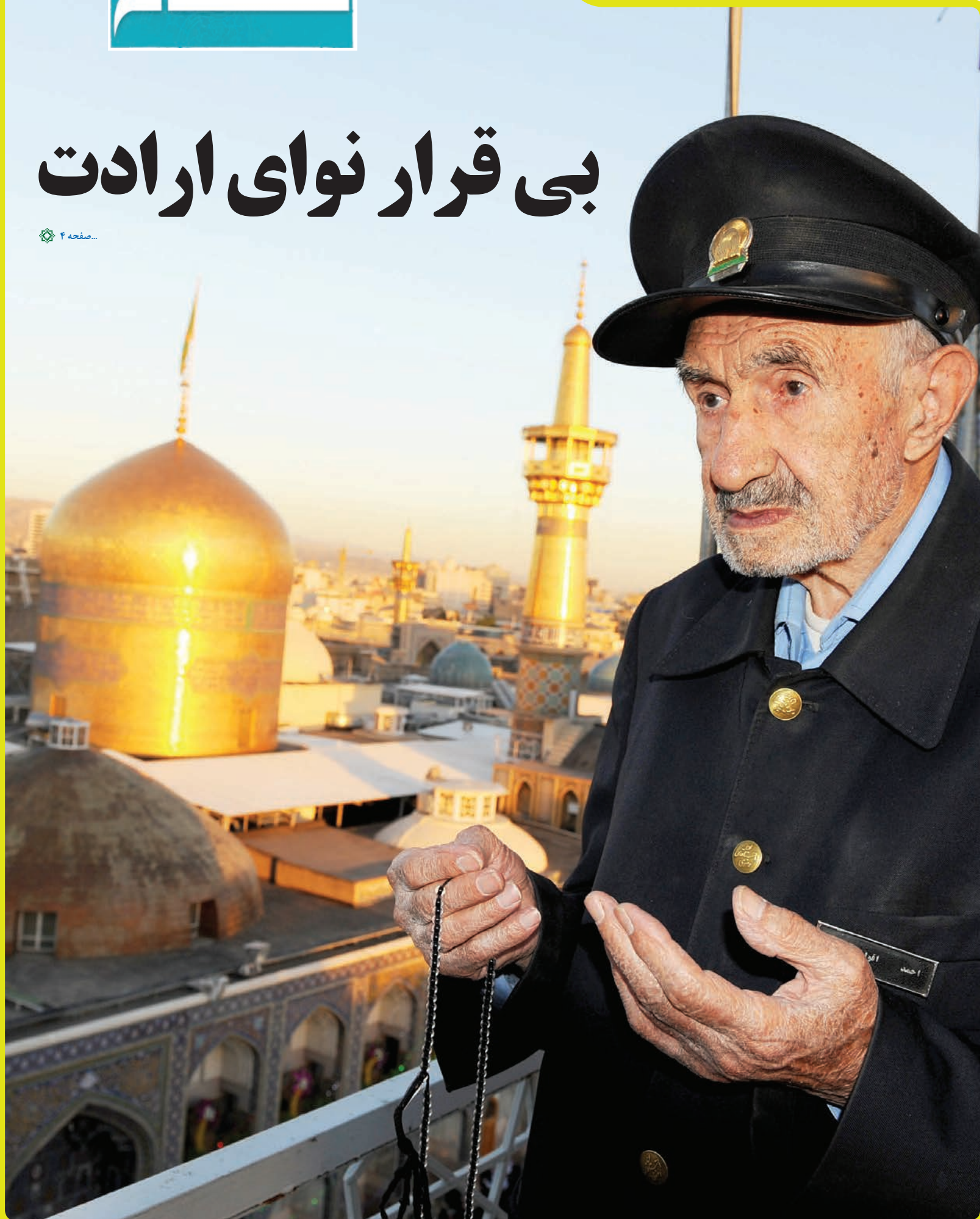




بی قرار نوای ارادت

... صفحه ۴



ایوان ساعت صحن آزادی

الهیة ارجمندی راد

تجسم گنبد طلا و کبوترهایی که دور آن می‌چرخند، پنجره فولاد و زائرانی که دست در مشبک‌های آن کرده‌اند، سقاخانه‌ای که به مهر، تمامی زائران تشنه را سیراب می‌کند، نقاره‌زنی و صدای ساعتی که هر از چند گاهی اما از روی نظم دنگ دنگ صدا می‌دهد... از هزاران کیلومتر دورتر همه را به حال و هوای زیارت حرم امام ثامن الحجج(ع) می‌رساند. به وقت عاشقی به زیارت می‌رسیم و زمان‌مان را با ساعت بزرگ صحن آزادی تنظیم می‌کنیم. کافی است بار دیگر از صحن آزادی و پایین پای حضرت مشرف شویم و همراه با زیارت، زیبایی‌های ایوان جنوبی این صحن را به نظارت‌نشینیم.



زیبایی کتیبه‌ها

پس از ایوان طلا، ایوان جنوبی که ساعتی بر فراز آن قرار گرفته، بیشتر به چشم می‌آید؛ ایوانی با چند کتیبه مهم قرآنی و روایی و نیز کتیبه‌های احداثیه در پیشانی ایوان که همگی به خط زیبای «محمد حسین شهید مشهدی» مزین است.

ایوان جنوبی با ۲۰ متر ارتفاع، به قرینه ایوان‌های دیگر ساخته شده که چهار صفا کوچک دارد و بالای هر صفا، غرفه‌ای. دیواره ایوان تا زیر سقف مقرنس با کاشی‌های نفیس و رنگارنگ آراسته شده و سوره‌های چهارگانه‌ای در زیر غرفه‌های درون ایوان به خط ثلث این هنرمند خطاط آراسته شده است. دو حدیث از حضرت رضاع(ع) و برگرفته از کتاب عیون اخبارالرضا نیز در بالای غرفه‌ها به چشم می‌خورد.

تاریخ کتیبه‌های قرآنی و روایی به سال‌های ۱۲۶۲ و ۱۲۶۷ هجری قمری بر می‌گردد و کتیبه‌های احداثیه نیز ساخت صحن را به فتح‌علی‌شاه و تزئین آن را به محمدشاه قاجار نسبت داده و از «حاج میرزا موسی خان» و «عبدالملک» یاد کرده است؛ نام «استاد رضای مشهدی‌بنا» نیز در آن به چشم می‌خورد. بالای این کتیبه نیز با نستعلیق، عباراتی اضافه شده که در آن شرح نام‌گذاری صحن به نام «صحن آزادی» با تاریخ ۱۳۹۹ هجری قمری آمده است. کاشی‌کاری‌ها و تزئینات ایوان در تعمیرات بعدی به‌ویژه در مرمت سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ به کلی تغییر کرده و کاشی‌های هفت رنگ قاجاری به معرق تبدیل شده است.

ساعت ایوان جنوبی

در دوره پهلوی دوم، بر بالای ایوان جنوبی صحن آزادی که در گذشته به نام ایوان آشپزخانه خدام نیز مشهور بود، برجی ساخته و ساعت قدیمی صحن انقلاب حدود ۵۴ سال قبل به آن‌جا منتقل شد. ظاهراً علت انتقال ساعت به این مکان، به‌دلیل نشست پایه‌های سردر ایوان صحن انقلاب اسلامی، به واسطه سنگینی ساعت و پیاله‌های آن بوده، که پس از ترمیم و استحکام شکست آن، ساختمانی از بتن در بالای ایوان ساخته و با کاشی معرق تزئین شد. سپس ساعت خطی را که «مروح عبدالحسین معاون» از هامبورگ آلمان خریداری کرده بود، جایگزین این ساعت کردند.

ساعت بزرگ و قدیمی صحن آزادی که مشرف به رواق امام خمینی(ره) است؛ اولین و قدیمی‌ترین ساعت حرم است که ساخت منچستر انگلستان بوده و گفته شده زمان ناصرالدین شاه قاجار توسط امین‌الملک صدراعظم ایران، وقف آستان مقدس حضرت رضاع(ع) شده است. تاریخ موجود در پیاله زنگ ساعت، نشان دهنده سال ۱۸۹۳ میلادی است که مربوط به ۱۲۴ سال قبل است و در ابتدا به وسیله هندل دستی و بزرگی، کوک می‌شد که پس از ورود برق به مشهد، این ساعت نیز برقی شد. ساعت در حال حاضر به وسیله الکتروموتوری کار کرده و هر ۴۲ ساعت یک بار کوک می‌شود و چنانچه با قطع برق مواجه شود، کوک آن تا ۴۲ ساعت فعال خواهد بود.

مردم برای بازسازی حرم‌های مطهر سوریه به میدان بیاند

وی با ابراز امیدواری در خصوص باز شدن مجدد راه برای حضور زائران ایرانی در این حرم مطهر گفت: مضاف و میهمانسرای حرم حضرت زینب(س) در ساختمانی سه طبقه با یک‌هزار و ۵۰۰ مترمربع زیر بنا در حال ساخت است که طبقه زیر زمین، جهت انبار مواد غذایی و سردخانه، طبقه همکف جهت آشپزخانه و پخت غذا و طبقه اول جهت میهمانسرا و سالن پذیرایی طراحی شده است. وی اظهار کرد: پیش‌بینی می‌شود با همت کارشناسان و نیروهای فنی اعزامی از ستاد بازسازی عتبات استان خوزستان و پشتیبانی و حمایت‌های مردم و خیران، قبل از نیمه دوم سال آینده این پروژه به بهره‌برداری برسد.



رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات سوریه با دعوت از مردم و خیرین برای مشارکت در فیض بازسازی و توسعه حرم حضرت زینب(س) گفت: طرح ساخت میهمانسرای این حرم مطهر با ۲۵ درصد پیشرفت فیزیکی اکنون به مرحله اجرای سقف طبقه اول رسیده است. علیرضا اکبری با بیان این خبر افزود: به عنایت ائمه اطهار(ع) و به برکت خون شهدای مدافع حرم، موانع حضور و فعالیت ستاد بازسازی عتبات در حرم حضرت زینب(س) برطرف شده و هم اکنون عملیات بتن‌ریزی ستون‌های طبقه اول و دوم و اجرای سقف طبقه همکف میهمانسرای حرم در حال انجام است.

ایوان طلای حرم مطهر حضرت عباس(ع) مقاوم سازی می‌شود



مسئول بخش پروژه‌های مهندسی آستان مقدس حضرت عباس(ع) از آغاز مرحله دوم مقاوم‌سازی ایوان طلای این آستان مقدس و تذهیب‌کاری آن خبر داد. مهندس ضیاء مجید الصانع با بیان این خبر گفت: این پروژه در ورودی اصلی حرم مطهر و در ضلع مقابل باب‌القبله حرم مطهر در حال اجرا است که علاوه بر حفظ ساختمان‌های قدیمی، زیبایی آن نیز مورد توجه قرار گرفته است. وی افزود: با اجرای فاز دوم مقاوم سازی ایوان طلای حرم مطهر عباسی، ساختار معماری و میراثی این بنا با روش‌های نوین و با کیفیت بالا و مطابق با نقشه‌های فنی و مهندسی مصوب مرمت خواهد شد. وی جدا کردن آجرهای قدیمی و مرمت دیوار کنار در را یکی از بخش‌های اصلی این پروژه برشمرد و اظهار کرد: آجر قدیمی مورد استفاده در این سازه و پی ساختمان از جنس گل بوده و هیچ فصل جدا کننده‌ای بین خاک زیرین و خاک فونداسیون وجود ندارد، در حال حاضر رطوبت تا سطوح بالای سازه نفوذ کرده و موجب بروز خسارت بر روی دیوارها و ایجاد خوردگی و اکسید شدن ورق‌های مسی آبکاری شده با طلا شده است. مسئول بخش پروژه‌های مهندسی آستان مقدس حضرت عباس(ع) گفت: مهندسان این بخش پس از جدا کردن آجرها و مواد چسباننده قدیمی به مرمت ترک‌های موجود در دیوارها و مقاوم سازی آنها بواسطه دیوارهای بتنی خواهند پرداخت.

۱۴۸۰ زائر بیمار و معلول به آستان بوسی حضرت رضا(ع) آمدند



رئیس اداره امداد و تسهیلات زائران آستان قدس رضوی از فراهم کردن زمینه تشریف ۱۴۸۰ زائر بیمار و معلول سراسر استان به بارگاه منور رضوی در قالب طرح «یا معین الضعفاء» خبر داد.

حسین راست‌نژاد با اعلام این خبر، بیان کرد: این زائران از استان خراسان رضوی و از شهرهای سرخس، تربت جام، بردسکن، فریمان، چناران و مهولات به همراه بیماران و معلولان سطح شهر مشهد به حرم مطهر رضوی مشرف شده بودند.

وی با بیان اینکه مخاطبان این طرح غالباً تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره)، بهزیستی و بیماران خاص هستند، تصریح کرد: در این طرح تمامی خدامان در هر پست و وظیفه‌ای از جمله انتظامات، کفشداران، دربان و... به صورت ویژه به ارائه خدمات می‌پردازند.

راست نژاد افزود: قرائت آیات کلام الله مجید، قرائت زیارت مخصوص امام رضاع(ع)، اجرای برنامه مرثیه سرایی و مداحی توسط مداحان و ذاکران اهل بیت(ع) و پذیرایی از جمله برنامه‌هایی است که هنگام تشریف برای زائران به اجرا در آمده است.

گفتنی است؛ طرح «یا معین الضعفاء» به همت معاونت اماکن متبرکه و با هدف کمک به کم‌توانان مالی، تشریف سالمدندان و معلولان جسمی که توانایی تشریف به بارگاه منور ثامن‌الحجج علی بن موسی‌الرضاع(ع) را ندارند، اجرا می‌شود.

کتاب «نامه زرین سلامت» منتشر شد

در بخش پیام‌های زرین بهداشتی امام رضاع(ع)، جدول زمانی برای خوردن غذا آورده شده که به این قرار است: روزانه یک مرتبه وقتی که ۸ ساعت از روز گذشته باشد (یک وعده غذایی) یا سه وعده غذا در مدت دو روز؛ یک مرتبه اول روز (صبحانه)، یک بار پایان روز (شام) و یک مرتبه، روز بعد هنگامی که ۸ ساعت از صبح گذشته باشد (ناهار) و در آن روز نیازی به مصرف شام پیدا نخواهی کرد. این جدول غذایی، همان آموزه‌ای است که پیامبر(ص) به امیرالمومنین حضرت علی(ع) فرمود یک روز یک وعده و روز دیگر دو وعده غذا تناول کنيد. این اثر ترجمه رساله ذبیحه منسوب به حضرت امام علی بن موسی‌الرضاع(ع) است. این متن شمه‌ای از علوم الهی را آشکار می‌سازد. همچنین این کتاب، به باور صدها پزشک، متخصص و حکیم از جمله حکیمان و پزشکان دربار مأمون، شایسته‌ترین متن آموزشی و کاربردی برای تحقق سلامت و بهداشت انسان است.



«نامه زرین سلامت منسوب به امام علی بن موسی‌الرضاع(ع) عنوان کتابی است که هشتمین دوره از چاپ خود را پشت سر گذاشته و به تازگی از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی منتشر و روانه بازار نشر شده است.

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، کتاب حاضر را با عنوان رساله ذبیحه: نامه زرین سلامت امام رضاع(ع) به اهتمام دکتر محمد دریایی به چاپ رسانده است.

این اثر در ۹ بخش با موضوعات و مباحثی همچون سند روایی طب الرضاع، پیام‌های زرین بهداشتی امام رضاع(ع)، معجون دارویی، غذایی رضوی، آداب استحمام، آداب بهزیستی و بهداشت فردی، آداب سفر و احکام آب‌ها، مزاج شناسی؛ شناخت مزاج‌ها و بهداشت روانی، مدیریت و ساماندهی بدن، آداب حجامت و فصد و... است.



حافظ و فردوسی میهمان اصلی یلدا!

یکی از کارهایی که همیشه در مراسم شب یلدا انجام می‌دهند و تقریباً همه از آن استقبال می‌کنند، فال حافظ گرفتن است. آن را از دست ندهید! شاهنامه خوانی، آن هم توسط کسی که صدای خوبی داشته باشد واقعاً از زیبایی‌های شب یلداست. اینجوری حداقل کوچکترهای جمع با فرهنگ اصیل ایرانی بیشتر آشنایی شوند.

می‌شود یک برنامه دسته جمعی با خانواده‌های نزدیک و آشنا ریخت و در شب یلدا سری به خانه سالمندان یا پرورشگاه هازد. مطمئناً در آنجا، هستند کسانی که چشم انتظار محبتی یا دورهمی با صفا و صمیمی باشند. لازم نیست کل شب را آنجا باشید، یک برنامه یک ساعته هم کفایت می‌کند.

خانه سالمندان و پرورشگاه، جایی برای رفتن!

آمان از این خوراکی‌های یلدایی!

در سید میوه تان حتماً انار و سیب و هندوانه را قرار دهید. این شب را بدون انار که اصلانی می‌شود، برگزار کرد. حال می‌توانید سنت را با مدرنیته مخلوط کنید و دسر انار تحویل دهید. ولی انار را حتماً در شب یلدا در سید میوه داشته باشید. هندوانه هم با اینکه میوه تابستانی است اما همیشه در شب چله طرفداران بسیاری داشته است. پشیمک و باقلوا و باسلوق نیز از قدیم الایام در سفره‌های یلدایی بوده‌اند. آلوچه و لواشک و برگه‌های زرد آلو و هلو و قیسی نیز جزو جدانشدنی خوراکی‌های یلدایی است. لبوو کدو حلوا بی هم که خوراک شبهای سرد زمستان است. انگار شب یلدا شبی است که هر کسی را با هر ذائقه‌ای تأمین می‌کند! ترش و شور و شیرین کنار هم در شب یلدا سرو می‌شوند.

حواستان به همسایه تان باشد

درست است که می‌خواهیم تا نیمه‌های شب دور هم باشیم و بگوئیم و بخندیم. اما باید حواسمان باشد که حرمت و حریم همسایه مان را زیر سوال نبریم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این باره می‌فرمایند: رعایت حرمت همسایه همانند احترام مادر لازم است. / کافی (ط - الاسلامیه) ج ۲، ص ۶۶۶
حالا که اکثر خانواده‌ها آپارتمان نشین هستند، باید کمتر سرو صدا کنیم و بچه‌ها زبانی بالا و پایین نپزند و صدای خنده‌ها و حرفهایمان تا هفت حیاط آنطرف تر نرود! نکته دیگری که در مورد همسایه می‌توان گفت، این است که شاید همسایه نیازمندی داشته باشید که توان خرید و داشتن یک شب یلدای بیادماندنی را نداشته باشد. می‌توانید از خوراکی‌های آن شبستان در سینی بگذارید و آنها را میهمان خودتان کنید.

شب تان را با غیبت و عیب جویی نگذرانید!

بگذارید همین یک شب را حداقل بدون گناه و با خوشی برگزار شود. غیبت کردن از خاله و دختر خاله یا همکار تان یا همسایه تان در این شب بلند سال، هیچ دردی را دوا نمی‌کند. تا کسی خواست غیبت کند، با خنده بگوئید، فقط همین یک شب را بی خیال غیبت! امتحان کنید، به امتحانش می‌ارزد. عیب جویی هم نکنید. چون عیب جویی جز کدورت و دلخوری چیزی باقی نمی‌گذارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: "نه عیب جو باش و نه ثناگو، نه زخم زبان زن و نه مجادله گر."

حریم امن تان را حفظ کنید

بعضی‌ها فکر می‌کنند چون خانواده‌ها با هم زیاد رفت و آمد دارند و با هم صمیمی هستند، محرم و نامحرم نداریم دیگر! نه شوهر خواهر، برادر می‌شود که بتوان با او دست داد و نه زن داشت، خواهر که با او خنده و شوخی کرد، بهترین چیز حفظ حرمتهاست. یادتان باشد این صمیمیت‌ها اجازه ندهد حرمت‌هایتان شکسته شود و حرفی که نباید زده شود، شوخی که نباید گفته شود، خنده‌ای بلند و قهقهه‌ای زده شود. مراقب روابط تان و حریم امنش باشید

دوره‌های یلدا

شب یلدا را تنها نگذرانید

برای اینکه شب یلدای باصفا تری داشته باشید، توی خانه ننشینید و حتماً با هماهنگی فامیل، خانه یک نفر که آمادگی اش را دارد جمع شوید. حتی می‌توانید خودتان میزبان شوید و چند خانواده از آشنایان را دعوت کنید. اینجوری هم صله رحم کرده اید و هم محبت بینتان را بیشتر کرده اید. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرمایند: "صله رحم محبت آور است و دشمن را خوار می‌گرداند."

یک میهمانی ساده بگیر یلدا!

فلسفه یلدا، دور هم بودن است و استفاده از همان یک دقیقه بیشتر بودن با هم! بنابراین بهتر است ساده بگیرید. اصلاً می‌شود هماهنگ کرد و هر کسی یکی از خوراکی‌های یلدایی را تهیه کند تا روی میزبان فشار زیادی به لحاظ اقتصادی نیاید. اینجوری به خاطر خرج‌های زیاد و تکلف کسی از میهمانی گرفتن با پس نمی‌کشد و اوقات خوش بیشتری را در کنار یکدیگر هستید.

احترام به بزرگترها، مهربانی با کوچکترها!

در دوره‌های یلدایی تان حتماً حواستان به شوخی‌ها و حرفهایی که می‌زنید باشد، دوره‌های نباید باعث حرمت شکنی شود. همانطور که امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: "به بزرگترها تان احترام بگذارید و با کوچکترها مهربان باشید و صله رحم نمایید." / امالی (صدوق) ص ۹۴ " شما نیز حرمت بزرگترها تان را داشته باشید و فضایی برای بازی و شادی بچه‌ها فراهم کنید و با آنها مهربان باشید.

از آنجایی که امسال یلدا، شب جمعه است، حتماً یادی از آنهایی که دیگر در جمع تان نیستند بکنید. مطمئنانه که دستشان از دنیا کوتاه است، اما روحشان با زیارت ما شاد می‌شود و از دیدنمان خوشحال می‌شوند. چرا که امیر المؤمنین (علیه السلام) چنین نقل کرده‌اند که: به زیارت مرده‌های خود بروید. آنها از زیارت شما شاد می‌شوند. پس عصر پنجشنبه یا صبح جمعه حتماً سری به امواتان بزنید و به آنها بگوئید که جایشان در بین شما خالی بوده است. یادتان باشد در دوره‌های تان برای آنها فاتحه بخوانید.

اهل قبور را فراموش نکنید

گوشی بازی ممنوع!

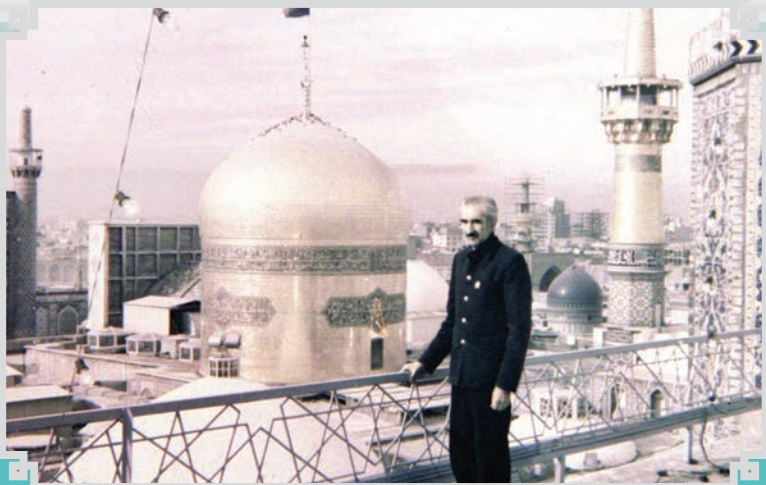
همین یک شب را لطفاً دست به گوشی نباشید. عکس سلفی و پست های اینستاگرام و تلگرام بازی را بی خیال شوید. یک امشب را تصمیم بگیرید بدون گوشی بگذرانید. می‌شود یک سید درست کرد و در بدو ورود میهمان‌ها از آنها بخواهیم که گوشی شان را در سید بگذارند و به جز ضرورت از آن استفاده نکنند. اینجوری قدر با هم بودن را بیشتر می‌دانید.

ترندهایی برای خوش گذرانی و یک دوره‌های عالی!

برای اینکه میهمانی راحت‌تر برگزار شود اگر امکان پذیر باشد، می‌شود محیط را زنانه و مردانه کرد. اینجوری هم خانم‌ها راحت‌ترند و هم داخل بحث های ورزشی و سیاسی و اقتصادی همیشه آقایان نمی‌شوند. وگرنه می‌شود بازی های دسته جمعی کرد. مثلاً پانتومیم یا منچ بازی برای آقایان.

بی قرار نوا

آنهایی که مویی سفید کرده‌اند حتماً پادشان می‌آید که در روزگاری که م
ریتمیک و دل‌خوشی از سمت حرم امام رضا(ع)، از صحن عتیق، از نقاره‌خ
خواب مانده‌ها فرصتی بود تا از قضا شدن نماز صبح‌شان جلوگیری کنند! این
شهر می‌پیچید و به نوعی پایان روز را اعلام می‌کرد.
صدای طبل و کُرناي نقاره‌خانه حرم رضوی را غیر از مشهدهای قدیم، هر ک
حتماً شنیده است. شاید هم نه جزو آن گروه هستیید و نه این گروه، از آنهایی
این نوا سپرده و دل‌تان را راهی حرمش کرده باشید.
در هفته‌ای که گذشت اخبار رادیو و تلویزیون و رسانه‌ها به یکباره همگی سر
نقاره‌خانه حرم حضرت علی‌بن موسی‌الرضا(ع)، یعنی «احمد اقوام شکوه»



بدون حرم، حتی یک روز

یکبار خودش گفته بود که دور از حرم نمی‌تواند زنده بماند! «مثل ماهی که لحظه‌ای بدون آب نمی‌تواند زندگی کند، من هم بدون بودن در حرم نمی‌توانم زندگی کنم. وقت‌هایی که از حرم دورم بی‌حال هستم، حتی بعضی از ساعات در طول روز که نقاره‌زنی نداریم، باز هم به حرم می‌آیم. در سنین جوانی که هم سن و سالانم به تفریح و گردش می‌رفتند، من تمام کیفم این بود که یک ساعت و نیم زودتر بیایم در نقاره‌خانه بنشینم و از آن بالا فقط به گنبد طلایی حضرت نگاه کنم.»



برای شکوه حضرت رضا

معمولاً صبح‌ها همزمان با خواندن مناجات حرم، در نقاره‌خانه بود، نمازش را همان جا می‌خواند و بعدش طبل‌ها را آماده می‌کرد. تازه یک ساعت بعد از آمدن او مابقی نقاره‌زن‌ها می‌آمدند و کار شروع می‌شد. بعدازظهرها هم قبل از غروب آفتاب می‌آمد و همه چیزش را آماده می‌کرد. خیلی اهل مصاحبه و این حرف‌ها نبود، از آن دور و نزدیک نقاره‌خانه اینگونه گفته است: «بنای نقاره‌خانه روی همین ایوان بود که الان هست، اما خود بنا با این بنای فعلی فرق داشت. نقاره‌خانه قدیم، چوبی بود و درست لب ایوان ساخته شده بود. می‌گفتند یکی از قجرها ساخته بودش. بیست تا پله می‌خورد تا از پشت بام ایوان به نقاره‌خانه می‌رسید. سقف نقاره‌خانه شیروانی بود. یادم می‌آید زمستان‌ها که برف و باران بود، جلوی نقاره‌خانه قندیل‌های بزرگی می‌بست و ما هر صبح، اول برف و یخ‌ها را تمیز می‌کردیم و بعد نقاره می‌زدیم. قدیم‌ها نقاره‌چی‌ها را «عمله شکوه» می‌گفتند، یعنی گروهی که کار تشریفات را انجام می‌دهد، از آن وقت نام خانوادگی ما «شکوهی» شد. نقاره‌زنی در خاندان ما موروثی است. پدرم نقاره‌چی حضرت بود. بعد من نقاره‌چی شدم. حالا هم پسرهایم نقاره می‌زنند.»

روایتی ناب از نواهای ز

در مورد فلسفه و تاریخچه نقاره‌زنی در اینترنت مطلب زیاد است، حتی در همین صفحات بطور خلاصه مطالبی را برای شما گردآوری کرده‌ایم، اما خب شنیدن تاریخچه و جزئیات نقاره‌زنی در حرم مطهر از زبان کسی که ۷ دهه از عمر خود را بی‌وقفه صرف این کار کرده است، لذت خاصی خودش را دارد. مطلب زیر مربوط به شماره ۴۸ «هفته‌نامه سلام» است: «نقاره‌زن‌ها ۱۰ نفر هستند؛ ۶ نفر کُرنازن، ۴ نفر طبل‌زن. اول از همه سُرناواز می‌ایستد که صدای کُرنايش از همه کُرناها بلندتر است. بعد ۵ تا کُرناواز می‌ایستند و بعد هم چهار تا طبل زن. البته طبل‌زن‌ها روی صندلی می‌نشینند که راحت طبل بزنند. نقاره سه مرحله دارد که ما در بین خودمان به آن «دست» می‌گوییم؛ دست اول، دست دوم و دست سوم. سُرناواز اول از همه، کُرنا را به سمت گنبد می‌گیرد و به حالت سلام می‌گوید: «سلطان دنیا و عقبی علی بن موسی‌الرضا»، یعنی جوری در کُرنا می‌دمد که انگار دارد همان حرف‌ها را می‌زند، اگر خوب به صدای کُرنا گوش کنید، تقریباً



چهارشنبه
۲۹ آذر ۱۳۹۶
۱ ربیع‌الثانی ۱۳۳۹
۲۰ دسامبر ۲۰۱۷
شماره ۱۱۲



بی ارادت

شهید هنوز این طور بزرگ و شلوغ نشده بود، دم‌دمای طلوع آفتاب صدای خانه حضرت در شهر می‌پیچید که طلوع آفتاب را خبر می‌داد و برای بعضی نوا دوباره نزدیک‌های غروب آفتاب نیز از صحن و سرای امام هشتم (ع) در

سسی که طلوع و غروب آفتاب توفیق حضور در این قطعه از بهشت را داشته، هستیید که از طریق رادیو و تلویزیون به بهانه ایام ولادت امام رضا (ع) دل به

اغ نقاره‌خانه حرم رضوی رفتند، بهانه این عکس‌ها و گزارش‌ها در گذشت پیر «ی» بود.



بی‌قرار همسایه

به قول خودش اگر دفتر حضور و غیاب نقاره‌خانه را ورق بزنیم، غیبت که نداشت هیچ، تأخیر هم نداشت. یکبار که علت این همه نظم و انضباطش را پرسیده بودند، گفته بود: «منزل ما نزدیک حرم است. خانه‌ای قدیمی که از پدرم به ارث رسیده. خانه‌ای که با توجه به اینکه در طرح توسعه اطراف حرم است و بارها خواستند بخرندش، حاضر نشدم آن را با هیچ مبلغی و هیچ چیزی عوض کنم. گفتم همسایگی امام رضا (ع) را از دست نمی‌دهم» دلش همیشه بی‌قرار همسایه‌اش بود.

حکایت‌های سر به مهر

پیر و بزرگ نقاره‌خانه و به قولی قدیمی‌ترین خادم حرم امام رضا (ع) بود. بیش از ۷۰ سال انس و الفت عجیبی با حرم و از آن بالاتر با خود حضرت (ع) پیدا کرده بود. محبت امام رئوف (ع) او را از همه چیز و همه کس بی‌نیاز کرده بود، خودش اینطور می‌گفت: «تا به امروز از هیچ احدالناسی چیزی درخواست نکردم و هر چه خواسته‌ام از خود حضرت بوده و ایشان هم عنایات بسیاری به من داشته‌اند. اصلاً همین که می‌توانم خادم حضرت باشم برای من کفایت است. با این که فرصت‌هایی بوده که می‌توانستم به لحاظ مالی وضعیت متفاوتی داشته باشم اما خادمی این بارگاه را با هیچ چیزی عوض نکردم. ارباب من امام رضا (ع) هستند. خیلی اتفاقات برای خودم یا دیگران افتاده که با عنایات حضرت همه‌شان ختم به خیر شده است، مثلاً روزی بینایی چشم‌هایم بسیار ضعیف شده بود طوری که در تست بینایی‌سنجی نتوانستم جهت علامتی را تشخیص بدهم. همان روز به نقاره‌خانه رفتم و چشم‌هایم را به درهای آنجا گذاشتم و بعد از آن ... و شفای بیماری قلبی خودم و همسر...» حکایت‌های دلدادگی «احمد اقوام شکوهی» به مولایش حضرت ثامن الحجج (ع) به یک یا دو گوشه چشم حضرت (ع) به او ختم نمی‌شود، اینها بسیار است و در تمام سال‌ها این ماجراها سر به مهر باقی مانده‌اند.



نقاره‌خانه حضرت رضا علیه السلام

می‌شود همین حرف‌ها را فهمید. بعد از سرنواز، پس نواها پاسخ می‌دهند: «امام رضا... امام رضا» دوباره سرنواز رو به گنبد می‌گوید: «امام رضا... امام رضا... امام رضا» و پس نوازان جواب می‌دهند: «غریب رضا... غریب رضا» در دست دوم سرنواز می‌دمد: «مولا مولا مولا... علی بن موسی الرضا» پس نواها پاسخ می‌دهند: «رضاجان... رضاجان... رضاجان» و سرنواز، سر کرنا را به طرف گنبد طلا می‌گیرد و می‌گوید: «یا امام غریب... یا امام رضا» پس نواها جواب می‌دهند: «رضاجان... رضا جان... رضا جان» در دست سوم، سرنواز می‌دمد: «دور دوران امام رضاست» بعد طبل زن‌ها طبل می‌زنند و دوباره سرنواز ذکر می‌گیرد که «دور دوران امام رضاست... داد رس بیچارگان» پس نواها جواب می‌دهند: «ای داد رس در ماندگان» و موقعی که پس نواها می‌خواهند کرناهای خود را کنار بگذارند، سرنواز می‌گوید: «فریاد رس» و طبال‌ها باز طبل می‌زنند.

چهارشنبه
۲۹ آذر ۱۳۹۶
۱ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹
۲۰ دسامبر ۲۰۱۷
شماره ۱۱۲



روایت پله نقاره

یک روز هم کار نقاره خانه را تعطیل نکرد

نقاره خانه حرم مطهر یکی از زیر مجموعه های اداره انتظامات صحن های مقدس بارگاه ملکوتی حضرت رضا(ع) است. به سراغ «غلامرضا نخعی» رئیس این اداره رفتیم و از وی درباره آشنایی اش با مرحوم احمد اقوام شکوهی جویا شدیم:

«سال ۱۳۷۹ بود که وارد آستان قدس رضوی و از همان سال با آقای اقوام شکوهی آشنا شدم. به دلیل حضور بنده در بخش انتظامات و تشریفات با ایشان رابطه کاری داشتم تا اینکه بعدها به عنوان مسئول امور نقاره خانه و نقاره نوازان ارتباطمان با ایشان بیشتر و بیشتر شد.

مصدق خادم واقعی حضرت رضا(ع)

مرحوم اقوام شکوهی یک خادم واقعی و کامل حضرت رضا(ع) بود. اخلاص ایشان زبانزد همه همکاران و کسانی است که وی را می شناسند و همین اخلاص وجودی و صفای باطنی ایشان باعث شده بود که رابطه خاص و عارفانه ای را با حضرت رضا(ع) داشته باشد. مردم بسیاری به ایشان التماس دعا می گفتند زیرا واقعاً اعتقاد داشتند که مرحوم شکوهی به حضرت رضا(ع) متصل است. هر زمانی که زائری به ایشان التماس دعا می گفت همان لحظه با یک تسبیحی که همیشه در دست راست ایشان بود رو به حضرت دست ها را به دعا بلند و در حق زائر دعا می کردند و اصلاً برایشان فرقی نمی کرد زائر کوچک یا بزرگ باشد.

هیچ کاری را بر نقاره خانه ترجیح نداد

مرحوم اقوام شکوهی کار نقاره خانه و وظیفه ای که در نقاره نوازی به عهده ایشان گذاشته شده بود را بر هیچ کاری دیگری ترجیح نمی داد، بسیاری از مواقع پیش آمده بود که از ایشان دعوت رسمی می شد تا در یک مصاحبه و یا برنامه ای در خارج از مشهد شرکت کنند اما ایشان به خاطر نقاره خانه و اینکه می خواستند در خدمت حضرت رضا(ع) و زائرین ایشان باشند دعوت ها را قبول نمی کردند و حاضر نشدند حتی یک روز هم نقاره خانه را تعطیل کنند.

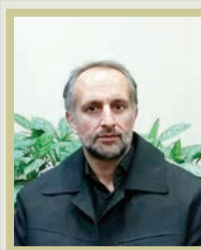


آراسته و منظم

نظم و انضباط ایشان برای همه مثال زدنی است. بارها به تمام همکارانمان توصیه کردم که نظم و انضباط را شما از این پیرمرد باخلاص یاد بگیرید، یک بار ندیدیم ایشان با لباس کهنه مشرف بشوند، یا دکمه های لباس ایشان باز باشد، یا کفش هایشان نامرتب باشد. ایشان همیشه نزدیک دو ساعت از قبل از شروع مراسم به نقاره خانه می آمدند و آخرین نفر هم در نقاره خانه را قفل می کردند و تشریف می بردند منزل. سحرهای ماه مبارک رمضان نیز از همه زودتر سر کار حضور داشتند و ساز و کار نقاره خانه را آماده می کردند چون طبل های نقاره خانه بایستی قبل از نقاره نوازی گرم شوند تا صدای خوبی در نقاره خانه ایجاد بشود. ایشان این وظیفه را تقبل کرده و تا روزی که زنده بودند این کار به نحو احسن انجام می دادند، حتی بارها به من می گفتند برای من پوست تهیه کنید، می خواهم پوست طبل ها را عوض کنم. نزدیک ولادت حضرت رضا(ع) و دهه کرامت که می شد حساسیت ایشان نسبت به ادوات کار بیشتر می شد، ایشان می گفتند می خواهم در این ایام نقاره خانه برای حضرت به بهترین شکل بنوازد. دقیقاً سر موقع پوست را تهیه می کردند و چون پوست ها به صورت خام بودند آنها را پس از دیباغی، بسیار منظم و با دقت بر روی طبل ها می کشیدند. اکنون هم این طبل ها به یادگار از ایشان در نقاره خانه باقی مانده است.»

می گفتند حاجت روا شده ایم

مرحوم اقوام شکوهی دارای دو فرزند پسر بود که در سال های گذشته یکی از فرزندانش به نام «امین» از دنیا رفته و تنها پسر ایشان «محمدرضا اقوام شکوهی» است که همراه پدر در نقاره خانه مشغول خدمت بود. او که اکنون ۴۶ سال دارد و این گونه از روزهای در کنار مرحوم شکوهی بودن، برایمان تعریف می کند: «از زمانی که به یاد دارم پدر نقاره می زدند و زمانی که من هشت، نه ساله شده بودم پدر گاهی اوقات من را با خود به نقاره خانه می برد. همین رفت و آمدها باعث شد به کار نقاره نوازی علاقه مند شوم تا اینکه از سال ۷۳ به استخدام رسمی آستان قدس رضوی درآمدم و همراه پدر مشغول نقاره نوازی شدم.



انس عجیب با حضرت رضا(ع)

هر زمانی که با مرحوم پدرم از تفریح و مسافرت برای ایشان می گفتیم و اصرار داشتیم که همراه ما بیایند، ایشان همیشه یک چیز را می گفتند که بهترین کار برای من بودن در کنار حرم و گنبد امام رضا(ع) است. شاید برخی تصور کنند که پدرم زیاد به خانوادۀ و دورهمی های خانوادگی اهمیت نمی دادند، ایشان اتفاقاً بسیار خانوادۀ دوست بودند اما به خاطر علاقه و انس عجیبی که به حضرت رضا(ع) داشتند هر روز به حرم می آمدند و مراسم نقاره نوازی را اجرا می کردند. می گفتند که هر چه می خواهید از آقا بخواهید.

خدمت تا آخرین روزهای عمر

پدرم هر روز به عشق حضرت رضا(ع) ۱۰۵ پله نقاره خانه را بالا می رفتند، کسانی که به نقاره خانه آمده اند می دانند که بالا و پایین رفتن از این پله ها بسیار سخت است زیرا ارتفاع پله های نقاره خانه بیش از ۳۰ سانتی متر است، ولی ایشان بدون هیچ خستگی این پله ها را بالا و پایین می رفتند. – البته چند سالی می شود که مقداری از مسیر را آسانسور گذاشته اند– حتی تا دو روز قبل از فوت ایشان هم سر خدمت در نقاره خانه حاضر بودند ولی به خاطر بالا و پایین رفتن فشارشان و کسالت فراوانی که برایشان پیش آمده بود، در تمام عمر خود تنها همین دو روز را نتوانستند به نقاره خانه بیایند.

شغلی موروثی در خانواده شکوهی ها

در دوران نوجوانی وقتی از پدر می پرسیدیم که چرا وارد کار نقاره زنی شدید، می گفتند که این کار موروثی بوده و همان طور که شماها با آمدن به نقاره خانه به این کار علاقه مند شدید، من هم به نقاره زنی علاقه پیدا کردم. اکنون هم بعد از ما، پسرعموها و برادرزاده ها هم با علاقه ای که به نقاره نوازی داشتند، وارد این کار شدند. منزل ما در خیابان شهید نواب صفوی و در نزدیکی حرم مطهر است. پدرم هر روز قبل از شروع مراسم نقاره نوازی در نقاره خانه حضور پیدا می کردند، ابتدا به حضرت سلام می دادند و بعد هم تا قبل از آمدن دیگر نقاره نوازان و شروع مراسم، طبل ها را گرم و وسایل را آماده می کردند.

نبات های مرحوم پدرم

مرحوم ابوی هر زمانی که می خواستند به حرم مشرف شوند در یک جیب مقداری نبات متبرک و در دیگری برای بچه ها شکلات می گذاشتند در طول مسیر منزل تا حرم به زائرانی که به ایشان التماس دعا می گفتند، اهدا می کردند. بارها پیش آمده بود که افراد مختلف می گفتند با نبات متبرکی که حاج آقا به ما داده، حاجت روا شده ایم.»

انجام وظیفه حتی در زمان مجلس ختم فرزند

«عباسعلی مقدم متین» از جمله افرادی است که قریب به ۲۰ سال توفیق این را پیدا کرده تا در بخش نقاره نوازی و کفشداری حرم مطهر رضوی خدمت کند و سالیان بسیاری در کنار مرحوم احمد اقوام شکوهی بوده است. او روزهای بودن در کنار قدیمی ترین نقاره زن حرم مطهر را چنین مرور می کند:



«اینجا قطعه ای از بهشت است که همواره ملائکه در این فضا رفت و آمد می کنند، لذا کسانی که برای خدمت به این مکان مقدس حضور دارند، باید این معرفت را درک کنند و بدانند که در محضر چه کسی هستند. مرحوم اقوام شکوهی هم از جمله کسانی بود که به این معرفت رسیده بود که در محضر چه شخص با عظمتی و در چه مکان مقدسی خدمت می کند.

از هیچ کاری در خانه امام رضا(ع) فروگذار نبود

هیچ وقت نشد که ایشان با تأخیر در مراسم نقاره نوازی حاضر شود. حتی زمانی که فرزندان فوت کرده بود، مرحوم شکوهی برای اجرای مراسم نقاره زنی آمدند و پس از اجرای مراسم دوباره در مجلس ختم حاضر شدند.

اعتقاد قلبی داشتند که باید وظیفه ای را که قبول کرده اند در زمان معین خودش و بدون کم و کاست انجام دهند و مردم را به فیض برسانند. با توجه به کهولت سن ایشان و ضعف بدنی که داشتند بدون هیچ شکایتی سخت ترین کارها را انجام می دادند و هیچ گاه از دیگران تقاضایی نمی کردند. همیشه هر کاری از ایشان ساخته بود، انجام می دادند و می گفتند اینجا خانه امام رضا(ع) است.

نظم و نظمی و نظم

نخستین باری که من خدمت ایشان رسیدم، من به گفتند که اینجا نظم و انضباط خاص خودش را دارد و حتی یک دقیقه تأخیر هم مورد قبول نیست زیرا دیر آمدن شما در کار دیگر افراد نقاره زن اختلال ایجاد می کند لذا حالا که تصمیم گرفته ای در این بخش خدمت کنی باید از خیلی مسائل صرف نظر کنی.

عشق به امام رضا(ع)، صبر و تحمل بی اندازه و انضباط مثال زدنی مرحوم احمد اقوام شکوهی از ویژگی های برجسته ایشان بود. در بیشتر اوقات ایشان برای ما و دیگران دعا می کردند که خداوند شما را عاقبت به خیر کند. این دعا که به راستی در حق خودشان هم به اجابت رسید و عاقبت به خیر شدند.

همیشه در حال ذکر گفتن بود

«سید حمید گارسچی» نقاره نواز ۵۲ ساله ای است که از دوران کودکی در کفشداری مسجد گوهرشاد و زیر نظر حاج رضا اخوان خدمت افتخاری در حرم مطهر رضوی را آغاز کرد و بعد از بازگشت از سربازی و از سن ۲۰ سالگی تاکنون به عنوان نقاره زن در بخش نقاره نوازی فعالیت می کند. او در مورد ورودش به این بخش، آشنایی با مرحوم شکوهی و خاطراتش در مدت همکاری با ایشان اینطور می گوید: بعد از برگشتن از سربازی حاج آقای اخوان با مرحوم اقوام شکوهی صحبت کرد و من در این بخش مشغول به فعالیت شدم و نقاره زنی را زیر نظر مرحوم شکوهی فرا گرفتم.

اولین بار که وارد قسمت نقاره خانه شدم از شوق، اشک هایم جاری بود، تا اینکه با مرحوم اقوام شکوهی رو به رو شدم. من از همان ابتدا جذب اخلاق، رفتار و گفتار ایشان شدم و در همان روزهای آغازین نخستین توصیه هایشان به من حضور به موقع در سر کار و انجام کار به بهترین شکل بود.



اخلاص خاص مرحوم شکوهی

اخلاص یکی از بارزترین ویژگی های مرحوم شکوهی بود. بارها شاهد آن بودم که با وجود بوی بدی که پوست های طبل ها داشت، اما مرحوم اقوام شکوهی با کمال خونسردی به همراه فرزندان خود پوست های تازه را به طبل ها می بستند. بوی این پوست ها به قدری بود که من نمی توانستم این بو را تحمل کنم و جلوی بینی و دهان خود را می گرفتم.

مهم نیت است

هر وقت ایشان را می دیدم تسبیحی را در دست داشتند و دائماً ذکر می گفتند. در این اواخر هم که ایشان بالای سر نقاره زن ها حاضر می شدند و خودشان کمتر نقاره می زدند، همواره مشغول ذکر گفتن بودند. به همه ما توصیه می کردند که یک خادم زمانی که وارد حرم می شود اول باید نیت کند که برای رضای خدا و حضرت در حال خدمت رسانی است، آن گاه قادر خواهید بود تا کارهایتان را به بهترین شکل انجام دهید.

خاطره ای از روزهای سرد

در یکی از روزهای زمستان که هوا بسیار سرد بود، ایشان زودتر از بقیه به نقاره خانه آمده بودند و مسیر را برای تردد دیگر نقاره زن ها باز کرده و برای اینکه طبل ها گرم شوند، آتش درست کرده بودند تا نوای طبل ها زیباتر باشد.

حکمت‌های رضوی



آنچه در این مجموعه می‌خوانید، سخنانی حکیمانه و رهنمودهای زندگی‌ساز از عالم آل محمد(ع)، حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) است که از منابع مختلف گزیده شده و همراه با ترجمه‌ای روان و توضیحی کوتاه به شما دوستداران خاندان رسالت تقدیم می‌شود.

زندگی با طعم مهربانی

امام رضا(ع) فرمودند: «أحسن الناس إيمانا أحسنهم خلقا وألطفهم بأهله وأنا ألطفهم بأهلي»؛ کسی ایمانش بهتر از دیگران است که اخلاقش نیکوتر و با خانواده‌اش مهربان‌تر باشد و من مهربان‌ترین فرد نسبت به خانواده‌ام هستم.

ایمان دارای مراتبی است که در این روایت به دو مرتبه آن اشاره شده است، یکی اخلاق نیکو با مردم و دیگری مهربانی با خانواده.

اخلاق نیکو از بهترین عباداتی است که اسلام به آن سفارش می‌کند تا جایی که پیامبر اسلام(ص) یکی از اهداف بعثت خود را تکمیل اخلاق می‌داند، اخلاق خوب از عوامل ورود به بهشت، آبادی خانه‌ها و طولانی شدن عمر برشمرده شده است. بسیاری از مردم اخلاق و رفتار آنها در اجتماع خوب است اما اخلاق و رفتار آنها با خانواده مطلوب نیست، همسر و فرزندان وی از دست آنها راضی نیستند.

انسان باید محبت به زن را اظهار کند که اظهار محبت، زندگی را از سردی می‌رہاند و در حدیث وارد شده است که اگر مرد به همسر خود بگوید دوست دارم هرگز از دل او بیرون نمی‌رود و به فرزندان نیز باید محبت داشت و آنها را یوسید که خوشحالی آنها خوشحالی انسان در روز قیامت است.

زائر حرم رضوی

امام رضا(علیه السلام) فرمودند: «أَنَّ زَوَّارَ قَبْرِی لَا كَرَمَ الْوَفُودِ عَلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَزُورُنِي فَيُصِيبُ وَجْهَهُ مِنَ الْمَاءِ، إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ»؛ زائران قبر من، گرامی‌ترین گروه‌هایی‌اند که روز قیامت بر خداوند وارد می‌شوند. هیچ مؤمنی نیست که مرا زیارت کند و در راه زیارت آبی به صورتش بچکد، مگر آن که خدای متعال، بدن او را بر آتش دوزخ حرام می‌کند.

زیارت قبور مطهر امامان معصوم(علیهم السلام) یکی از حقوقی است که آنان بر گردن پیروان دارند، بخصوص زیارت قبر امام رضا(علیه السلام) که درباره آن سفارش ویژه است. آن حضرت، با دسیسه مأمون از مدینه به خراسان آورده شد و با حيله، مسموم و شهید گشت. ایشان از خاندان خویش دور و جدا بودند و در غربت، مظلومانه به شهادت رسیدند و به خاک سپرده شدند. روایات در فضیلت زیارت آن حضرت بسیار است.

درباره زیارت سیدالشهدا(علیه السلام) آمده است که گرد و غباری که بر چهره زائران کربلا می‌نشیند، مقدس است و خدا بر آن چهره‌های غبارآلود، نظر عنایت دارد. درباره حضرت رضا(علیه السلام) چنین آمده که چهره‌ای که در راه این زیارت، با آب و باران و... بر خورد کند، بر آتش دوزخ نمی‌سوزد. این کرامت و لطفی است از سوی خدا که نسبت به زائران قبر حضرت رضا (علیه السلام) شده است. زیارت اولیای الهی، نشانه عشق و محبت به این انسان‌های پاک است.

ویژگی‌های مؤمن

امام رضا(علیه السلام) فرمودند: «الْمُؤْمِنُ إِذَا غَضِبَ لَمْ يَخْرِجْهُ غَضَبُهُ عَنْ حَقِّ، وَ إِذَا رَضِيَ لَمْ يَدْخُلْهُ رِضَا فِي بَاطِلٍ، وَ إِذَا قَدَّرَ لَمْ يَأْخُذْ أَكْثَرَ مِنْ حَقِّهِ»؛

مؤمن هرگاه خشمگین شود، غضبش او را از حق بیرون نمی‌برد. و هرگاه خرسند و راضی شود، خوشنودی‌اش او را به باطل نمی‌کشاند. و هرگاه قدرت یابد، بیش از حق خودش بر نمی‌دارد.

در احادیث امام صادق(علیه السلام) نیز کلامی به همین مضمون و با تفاوت در عبارت نقل شده است. سه خصلتی که در این حدیث یاد شده است، گاهی انسان را از حالت عادی و طبیعی بیرون می‌برد. «غضب» شعله‌ای سوزاننده و ویرانگر است که اگر مهار نشود، دین و دنیای انسان را تباه می‌کند و به دیگران هم آسیب می‌رساند و شخص غضبناک را از مرز حق و اعتدال بیرون می‌برد. «رضا و خرسندی» که معمولا درباره امور مطلوب و محبوب است، اگر بر اساس معیارهای دینی نباشد، انسان را به باطل می‌کشاند؛ مثل این که اگر از کسی خوشمان می‌آید، این علاقه سبب می‌شود عیب‌ها و خلاف‌هایشان را نبینیم، یا به خاطر این علاقه به گناه بیفتیم.

«قدرت» هم اگر مهار نشود، فرد را به ظلم و تعدی می‌کشاند. لذا آنچه این سه خصلت را مهار می‌کند، «ایمان» است. مؤمن، عنان خویش را به دست خشم نمی‌سپارد و اگر خشمگین شد، آن را مهار می‌کند.

برای روزی حلال تلاش کنیم

امام رضا(ع) فرمودند:

«إِنَّ الذِّي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفُ بِهِ غِيَالَةَ اعْظَمُ اجْرَا مِنَ الْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»
کسی که به دنبال روزی و فضل خداوند باشد، تا هزینه خانواده خود را تأمین کند، پاداشش بیشتر از کسی است که در راه خدا جهاد کند.

از نظر اسلام کار و تلاش برای زندگی عبادت است. اساساً به دست آوردن یک زندگی خوب و آبرومند در پرتو کوشش‌های خوب و مثبت انسان است. تنبلی، سستی، کسالت، خود را ناتوان تصور کردن با روح ایمان سازگاری ندارد. اگر کسی این تفکر را داشته باشد که من در خانه می‌نشینم و مشغول عبادت می‌شوم و دست به دعا برمی‌دارم و خداوند نیز روزی من را می‌رساند اندیشه‌ای باطل است و با عزت انسان و با ایمان سازش ندارد. اداره زندگی اگر چه مورد تأکید فراوان اسلام واقع شده است، اما به انسان اجازه داده نشده است که از هر راهی یا هر ابزاری زندگی‌اش را تأمین کند، بلکه باید با رعایت قوانین و ضوابط دقیق از ورود مال حرام در زندگی جلوگیری کند. روزی حلال آثار فراوانی در ابعاد مختلف زندگی دارد که از جمله می‌توان به آموزش گناهان، استجابت دعا، گرامی شدن نزد خداوند و ... اشاره کرد.

از محبت خارها گل می‌شود

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «لَتَوَدُّ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ»؛ محبت به مردم نیمی از عقل انسان است.

بخشی از یک زندگی خوب و موفقیت‌آمیز برخورد‌های معقول و خردمندانه انسان در زندگی شخصی و در برابر افراد مختلف جامعه است، تدبیر خردمندانه با مشکلات در زندگی شخصی زندگی را لذت‌بخش و هموار نموده و برای اعضای خانواده آسایش به همراه دارد، اما یک بخش مهم زندگی برخورد صحیح با مردم جامعه است. بسیاری از مردم در زندگی روزمره با مشکلات مختلفی مواجه هستند، افزون بر آن که افراد جامعه نیز متفاوتند، همه یک جور نیستند، برخی دانشمند، برخی نادان، برخی ثروتمند، برخی صالح، برخی ناصالح، برخی با صبر و حوصله، برخی کم ظرفیت، عصبی و تندخو هستند در نتیجه برخوردها باید حساب شده، دقیق و منطبق با عقل و موازین اسلامی باشد؛ عقل و دین ما را به برخورد محبت‌آمیز دعوت می‌کند، عقل به ما می‌گوید در برخورد با مردم خوش‌رو، خوش‌زبان باش. محبت یک اصل کلی است که گاهی با برطرف کردن مشکل، گاهی با هم‌فکری و مشاوره، گاهی با خوش‌زبانی و هم‌دلی، گاهی با خوش‌رویی و مانند آن امکان پذیر است و این همان معاشرت خوب با مردم است که نشانه خردمندی و عقل سلیم انسان است.

بهترین بندگان

از امام رضا (علیه السلام) درباره بهترین بندگان پرسیدند، فرمودند: «الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اِسْتَبِشَرُوا، وَ إِذَا اَسَاؤُوا اِسْتَعَفَرُوا، وَ إِذَا اَعْطُوا شَكَرُوا، وَ إِذَا اِبْتَلُوا صَبَرُوا، وَ إِذَا غَضِبُوا عَفَوْا»؛

آنان که هرگاه نیکی کنند، خوشحال می‌شوند، و هرگاه بدی کنند، استغفار می‌کنند، و هرگاه چیزی به آنان عطا شود، سپاس می‌گویند، و هرگاه مبتلا و گرفتار شوند، صبر و شکیبایی می‌کنند و هرگاه خشمگین شوند، عفو و گذشت می‌کنند.

پنج صفت برای بندگان نیک بیان شده است. همه این‌ها بیانگر روحانیت کسان‌ی است که نسبت به وضع خود و اطراف خود، حساس‌اند و عکس‌العمل مناسب نشان می‌دهند. توفیق «احسان» و نیکوکاری، جای تشکر از خدا و خوشحالی از این عمل را دارد. «لغزش و گناه» با «استغفار و توبه»، جبران‌پذیر است. پس اگر کسی لغزید، باید بی‌درنگ توبه کند و گناه را از نامه اعمالش پاک کند. «شکر بر عطا و بخشش دیگران» هم گویای قدرشناسی انسان است، چه در برابر نعمت‌های خدا، چه در مقابل نیکی‌های مردم باید سپاسگزار بود. «صبر بر بلا» ویژگی دیگر انسان‌های خوب و خودساخته است. «عفو هنگام غضب»، خصلت دیگر بندگان نیک است و آیین جوانمردی به شمار می‌آید. وسوسه‌های شیطان پیوسته برای دور کردن انسان از حق و خیر و کشاندن او به مسیرهای خلاف است. بکوشیم ویژگی‌های بندگان خوب را در خود فراهم سازیم.

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود

امام رضا(علیه السلام) فرمودند: «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا»؛

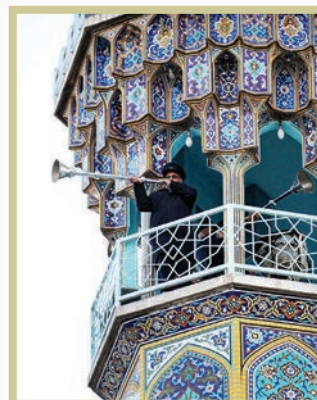
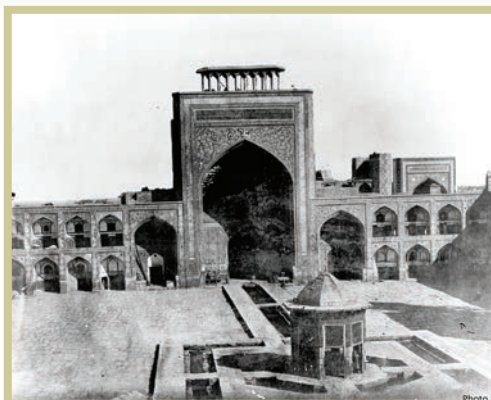
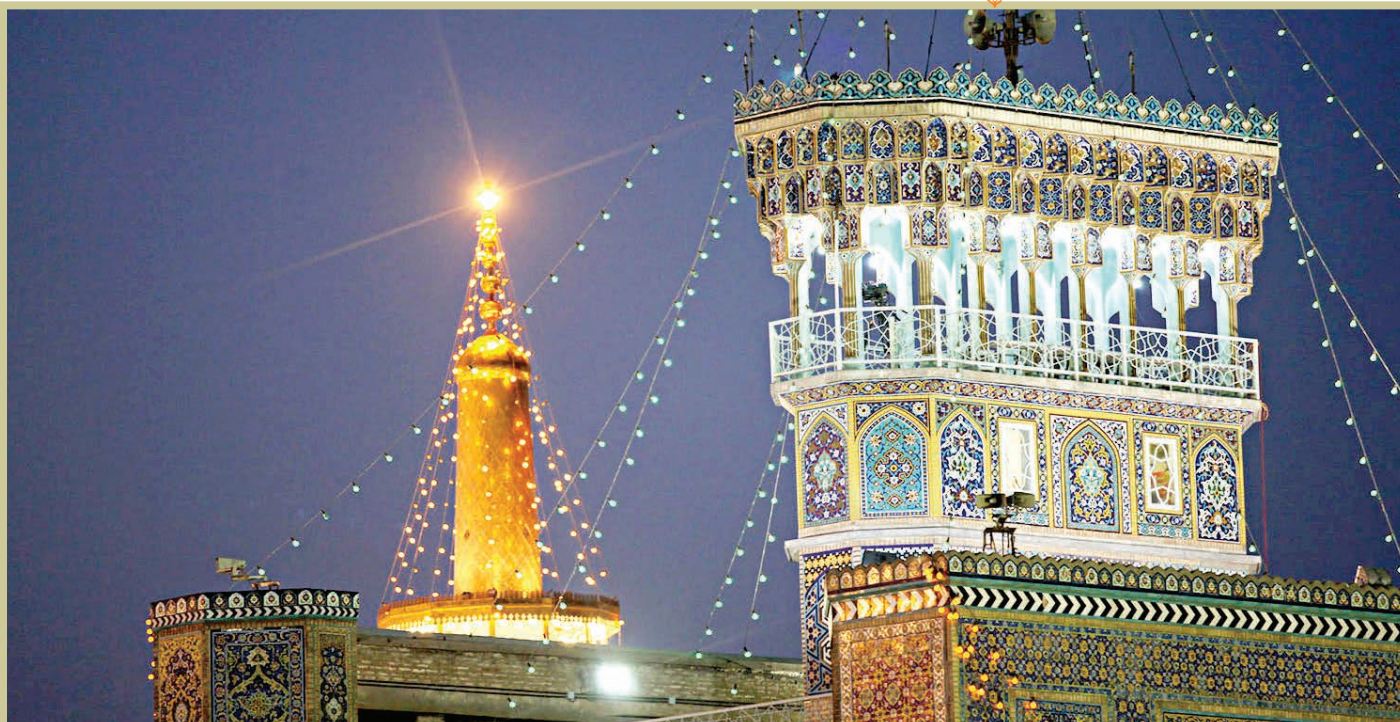
برای دنیای خود به گونه‌ای عمل کن گویا همیشه می‌خواهی بمانی و برای آخرت آن چنان عمل کن گویا فردا خواهی مرد.

در این جهان هستی هیچ چیز بی‌هدف نیست، زیرا خالق آن حکیم و کار عبث و بیهوده از او امکان ندارد. آن چه مهم به نظر می‌رسد شناخت هدف صحیح زندگی است و این که انسان بداند برای چه آمده است و به کجا می‌رود؟ به قول شاعر:
روزها فکر من این است و همه شب سخنم/ که چرا غافل از احوال دل خویشتم/ از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود/ به کجا می‌روم آخر نمایی وطن
آیا دنیا می‌تواند هدف اصلی برای زندگی باشد؟ یا آن را مقدمه‌ای برای یک زندگی طولانی و برتر بدانیم؟ به تعبیر دیگر آیا مقصود از زندگی تنها خوردن و آشامیدن و شهوت است یا هدف آخرت و رسیدن به کمال انسانی و رحمت الهی است. اما برای رسیدن به این هدف انسان باید برای زندگی دنیا برنامه‌ریزی کرده و آمادگی لازم برای آخرت را پیدا کند.



چهارشنبه
۲۹ آذر
۱۳۹۶
۱ ربیع‌الثانی
۲۰ دسامبر
۲۰۱۷
شماره ۱۱۲





نگاهی به نوای ملکوتی نقاره در آستان هشتم

صدای نقاره می آید

و چشمان زائران خیس می‌شود. چهار طبل به نشان شادی در سمت راست نقاره‌خانه، به صدا در می‌آید و این‌گونه صحن و سرای حرم و مشهدالرضا(ع) بیست دقیقه به استقبال طلوع و غروب خورشید می‌رود.

نقاره‌خانه، کرنا و طبل

از بالاخیابان که وارد بست طوسی و صحن انقلاب اسلامی شوید؛ درست روبروی تان، ساختمان نقاره‌خانه است. ساختمانی برای تجمع نمازگزاران و نواختن نقاره در ارتفاع بلند که به نقلی در دوره قاجار در مکان فعلی ساخته شد و گویا قبل از ساخت صحن انقلاب، در سمت شرق یا غرب گنبد و بر فراز چند بنای موجود در اطراف حرم، مکان مرتفعی جهت نقاره زنی در نظر گرفته شده بود.

بنای اولیه نقاره‌خانه در مقیاس کوچک‌تر و کم ارتفاع‌تر از نقاره‌خانه کنونی، از چوب و حلب ساخته شده بود و بر روی لبه کم عرض بام تاج ایوان غربی صحن عتیق قرار داشت. ساختمان با گذشت زمان پوسیده شد و به دلیل همین عدم استحکام؛ در سال ۱۳۳۸ تخریب و بعد از ۸ سال ساخت و ساز، بنای فعلی باشکوه و با صلابت در همان مکان، در سه طبقه و در ارتفاع ۹ و نیم متری ساخته شد.

ابزار نقاره‌خانه شامل چهار نوع طبل، کرنا و لوازم متعلق به آن است. طبل‌ها از کاسه‌های بزرگ و کوچک مسی و چدنی است که پوست دباغی‌شده بر روی آن کشیده می‌شود و با دو چوب ساده به طول تقریبی بیست سانتی‌متر بر روی آن می‌نوازند. کرناها هم، سازهای بادی به طول تقریبی ۱۰۰ تا ۱۲۰ سانتی‌متر است که از جنس مس یا برنج ساخته شده و با آب گرم جلاشان می‌دهند.

در نقاره‌نوازی از چهار نوع طبل به نام‌های طبل سرچاشنی، گاه برگاه (گورگه و گورگ)، تخم مرغی و ساد (میانه) استفاده می‌شود. طبل سرچاشنی طبل کوچکی و چدنی و دارای صدای زیر است که به عنوان طبل اصلی و توسط سرچاشنی در تمام مدت نقاره کوبی نواخته می‌شود.

این آیین تنها در مشهد و در نقاره‌خانه حرم مطهر رضوی، با همان ابزار و شیوه کنونی همچنان محدود شد و در دو نوبت در روز و در اعیاد و مناسبت‌های شاد ادامه پیدا کرد. در خارج از ایران نیز، در بعضی از کشورهای آسیای میانه از جمله تاجیکستان و ازبکستان در مراسم استقبال رسمی از میهمانان از گروه نقاره‌چیان استفاده می‌شود.

از شروع تا توقف؛ سپس ادامه

نقاره‌نوازی در آستان قدس رضوی، از اواسط قرن نهم هجری قمری شروع شد. میرزا ابوالقاسم بایر، نوه گوهرشاد در سال ۸۶۰ هجری قمری مصادف با ۸۳۵ هجری خورشیدی در سفری که به مشهد مقدس داشت، دستور داد در باغ حرم نقاره بنوازند. البته از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰ هجری قمری به دستور رضاخان پهلوی، نقاره‌خانه حضرت تعطیل شد که از این دوره به عنوان تنها دوران تعطیلی نقاره‌خانه در ایامی به جز محرم و صفر یاد می‌کنند. بعد از این دوران کار نقاره‌زنی دوباره از سر گرفته شد.

نقاره، ارادت و عشق

«نقاره» در فارسی به نوعی ساز کوبی متشکل از دو طبل کوچک متصل به هم که توسط نقاره‌چی و بوسیله دو چوب که بر طبل نواخته می‌شود به صدا در می‌آید، گفته می‌شود. نقاره‌خانه یا نوبت‌خانه نیز محلی است برای نواختن نقاره.

و اینک سال‌هاست، روزی دو نوبت در طلوع و غروب آفتاب، و نیز در اعیاد، صحن سقاخانه، میزبان نقاره‌زانی می‌شود که به شوق، پله‌های نقاره‌خانه را بالا می‌روند و با نوای خوش نقاره، دل زائران گردآمده در صحن را، هوایی آقاایشان می‌کنند.

نقاره‌زنان که از قدیم «عمله شکوه» نامیده می‌شدند و نشان‌دهنده عظمت حرم امام بودند، کرناها را به طرف گنبد گرفته، سرنواز ذکر «سلطان دنیا و عقبی علی بن موسی الرضا» را می‌نوازند و پنج پس نواز، پاسخ «رضاجان» می‌دهند. کرناها نوای «مولا مولا» سر می‌دهند

الیه ارجمندی راد: نقاره‌زنی آیینی است، که با خاطره زیارت تمامی زائران مشهدالرضا عجین شده؛ نمادی مورد احترام که معرف عظمت و شکوه حرم علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) و یادگار سنتی قدیمی است که قرن‌ها قبل از رواج در اماکن متبرکه رضوی، در ایران و دیگر کشورها متداول بوده است.

نقاره‌نوازی در ایران و جهان قدمتی بسیار دارد و سابقه استفاده از دو ابزار مهم در نقاره یعنی «طبل» و «کرنا» در شکل اولیه به عهد باستان می‌رسد که در جنگ و مناسبت‌ها مرسوم بوده، چنان که در هزاره چهارم قبل از میلاد از طبل باریکی به نام بلخ در مراسم مذهبی استفاده می‌شده است. آیین نواختن کوس، دهل، کرنا و شیپور که به تدریج شکل خاصی از آن در ایران باستان رواج یافت، «نقاره کوبی» نام گرفته و از ایران به کشورهای دیگر راه یافت.

مستندات تاریخی از قبیل نوشته‌های متون قدیمی، گزارش‌های سفرنامه‌نویسان، وجود مزار پیر نقاره‌خانه در نزدیکی خواف، تپه نقاره‌خانه در گناباد، برج کوچک نقاره‌خانه در بالای کوهسار تقي‌آباد ساری، ابزارهای نوبت‌نوازی عهد هخامنشی در موزه تخت‌جمشید و سنگ نگاره‌های طاق بستان کرمانشاه که جلوه‌ای از نوبت‌نوازی را به نمایش می‌گذارد و همچنین وجود اصطلاحات مربوط به نقاره‌نوازی در اشعار قدیمی، همه و همه نشان از قدمت این آیین در ایران دارد. بر اساس اسناد رسمی و تاریخی موجود در مرکز اسناد رسمی و نسخ خطی کشور، تاریخچه نقاره‌زنی در حرم حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) به ۴۱۷ سال پیش باز می‌گردد، ولی اغلب سندهای مربوط به نقاره‌خانه حرم مطهر از دوره قاجاریه بر جای مانده است.

در قرن‌های اولیه اسلامی، نقاره‌نوازی در دستگاه حاکمان ایرانی مرسوم بوده و در عهد صفویه استفاده از نقاره در پایتخت معمول و به تدریج در شهرهای بزرگ رایج شد تا آنجا که در جشن‌های پیروزی و ولادت شاهان نیز مراسم نقاره‌زنی اجرا می‌شد. در دوره صفویه و افشاریه، کاربرد نقاره‌زنی فراتر از مناسبت‌های ملی و مذهبی اجرا شد و بعدها در قاجاریه بر تشریفات و تجملات آن افزوده شد. با شروع دوره پهلوی،

چهارشنبه
۲۹ آذر ۱۳۹۶
۱ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹
۲۰ دسامبر ۲۰۱۷
شماره ۱۱۲



فکر

مؤسسه فرهنگی قدس
مدیر مسئول و سردبیر: ایمان شمسایی
دفتر مرکزی: مشهد، بلوار سجاد، نبش سجاد
تلفن: (۰۵۱) ۳۷۶۸۵۰۱۱ (خط ۹)
پست‌امک: ۳۰۰۳۳۳۷۳۸